

بخش دوم

پونديهوديان

با فرهنگ ايران زمين



پروفیسور امنون نتصر در این  
بخش از گفت و گوها به  
بیان پیشینه تاریخی یهودیان  
ایران و سهم فرهنگی آنان  
در این سرزمین می پردازد

## گفت و گوی دوازدهم

# در مقایسه با باور زرتشتیان، یهودیان خود را به اسلام نزدیک تر می‌یافتند



ایرانیان دلاورانه علیه مهاجمین عرب جنگیدند. ولی بالاخره مقاومت آنان در هم شکست

پرسش - شما در گفت و گوی پیشین به خیزش یک سردار یهودی در ایران به نام ابوعیسی اصفهانی پرداختید که لشکر بزرگی برپا کرد و با اشغالگران عرب به جنگ و ستیز پرداخت، ولی همانند دیگر جنبش‌های ملی ایران با خشونت و بی رحمی سرکوب گردید. در این جا مایلیم بدانیم که اصولاً یهودیان ایران در دوران تسلط اعراب بر این سرزمین چگونه زندگی می‌کردند.

پاسخ - تصور نمی‌کنم که با تهاجم اعراب به ایران، تغییر اساسی در زندگی یهودیان آن سرزمین رخ داده باشد. احتمالاً، عده‌ای از یهودیان نیز اسلام را پذیرفتند و به آن دین درآمدند. بعید نیست که عده‌ای نیز خرسند بودند از این که دین تازه‌ای آمده که به صورتی خیلی واضح اعلام می‌دارد که یهودیت را می‌پذیرد و به حضرت موسی ایمان دارد. زیرا در قرآن مجید از حضرت موسی نیز با احترام بسیار نام برده شده و آیات زیادی در آن درباره یهودیان وجود دارد.

علاوه بر این، در اسلام یهودیان به عنوان "اهل کتاب" شناخته شده اند. ولی در کنار آن، یهودیان را ناچار به پرداخت مالیات سرانه می کردند که "جزیه" نامیده می شد و آنان را "اهل الذمه" می خواندند - یعنی افرادی که زیر حمایت دین دیگری قرار گرفته اند. البته این قوانین مالیاتی، پیروان دیگر ادیان را نیز شامل می شد.

به زبان دیگر، اسلام این فرصت و امکان را به اقلیت یهودی در ایران داد که بتواند به زندگی خویش ادامه دهد. البته آن ها "اهل کتاب" خوانده شدند، ولی طبیعی است که حق تمبر نداشته باشند و از امکان شورش و قیام علیه حکومت های محلی عرب برخوردار نبودند و ناچار به پرداخت مالیات سرانه می شدند.

ولی همان گونه که در گفت و گوی پیشین نیز بیان شد، اگر بخواهیم زندگی یهودیان در بابل (عراق امروز) را قیاس قرار دهیم، و آن را معیاری برای آگاهی از وضع یهودیان در ایران بدانیم (زیرا در این زمینه اسناد و مدارک کافی در اختیار نداریم)، لاقلاً باید به این نتیجه برسیم که در دوره های مختلف، با صرف نظر کردن از برخی موارد استثنائی، زندگی یهودیان چندان دشوار نبوده است.

البته بهتر است که انسان ها در اقلیت نباشند. بهتر بود که یهودیان از استقلال ملی در کشور باستانی خویش برخوردار می بودند. ولی چنین چیزی رخ نداد و این آرزوها همه در حد آگر و اما باقی ماند.

در زیر سلطه اعراب و اسلام، برخلاف زمان هائی از دوران ساسانیان، زندگی یهودیان در ایران چندان دشوار نبود. تکرار می کنم که علت این امر شاید شباهت زیادی باشد که بین باورهای مذهبی یهودیان و مسلمان وجود دارد و بین "الوهیم" (אלוהים Elohim - خداوند) و الله تفاوت چندانی وجود ندارد. بسیاری از اصولی که در تورات و تلمود و میدراش (تراوشات معنوی و مذهبی یهودیان) بیان گردیده، به تدریج توسط واضعان شریعت اسلامی نیز پذیرفته شد و پرورش یافت و بسیاری از آئین ها و مراسم یهودی در اسلام نیز مورد قبول قرار گرفت که یکی از آن ها مقررات مربوط به کفن و دفن است.

آئین ترحیم و سوگواری و آئین ختنه و احترام به خانواده نیز از اموری بود که از یهودیت به اسلام رسید و پذیرفته شد. در دوران ساسانیان، احترام به خانواده به صورتی بود که نمی توانست مورد قبول یهودیان قرار گیرد. و بی تردید مسلمانان نیز آن را رد می کردند.

در این جا می خواهم به دورانی از تاریخ و فرهنگ یهود اشاره کنم که "دوران گئونیم" (גאונים Geonim) نامیده می شود. این واژه به معنی "نوابغ" و یا عظمای دین است و مفرد آن "گائون" (Gaon גאון) می باشد. شخصیتی مانند "سعلیا گائون" در این دوره شکوفا گردید و در بابل (عراق کنونی) دانشسراهای مذهبی یهودی زیادی برپا شد که در زبان عبری "یشیوا" (ישיבה Yeshiva - مدرسه عالی تعلیمات دینی) نامیده می شود. این دانشسراها به ویژه در شهر بغداد، زیر سایه خلفای اسلامی دایر شده بود و فعالیت می کرد.

بنابراین، می توان در مورد شیوه زندگی یهودیان در دوران تسلط اعراب، این ارزیابی را ارائه داد که در آن دوره، آنان از وضع قابل تحملی برخوردار بوده اند. نکته دیگری را می خواهم در این

رابطه مطرح کنم و آن این که شماری از زرتشتیان پس از حمله اعراب، در ایران باقی ماندند. ولی شمار بیشتری از آنان از وطن خویش گریختند و راهی هندوستان شدند و در شهرهائی مانند گجرات (Gujarat) رحل اقامت افکندند.

در آن دوران در میان زرتشتیان جنبشی از تجدید حیات فرهنگی به وجود آمد و در قرن های هشتم، نهم و دهم میلادی به بازنویسی بخشی از کتاب هائی پرداختند که در جریان حمله عرب و تلاش آن برای نابود کردن فرهنگ ایرانی، در کتابخانه ها سوخته و از بین رفته بود.